

بسم الله الرحمن الرحيم



« فکر » و « دل » را باید دو امر اساسی در « حیات باطنی » دانست. حرکتِ فکر و حرکتِ دل و اسرار موجود در حرکت این دو، برای ما که از حقایق باطنی چندان آگاهی نداریم، مجهول مانده است. توجه ما، و بررسیها و تحقیقهای ما، همه در مسایل ظاهری، و در حرکتهای ظاهری، و در ابعاد مختلف آنها بوده، و در نتیجه، از بحر عمیق « فکر » و مخصوصاً « دل » که در پشت پرده قرار گرفته است و عجایب بی پایانی دارد غافل مانده ایم ...

اگر صور پشت پرده « فکر » و حرکتهای فکری و به تعبیری، صور پشت پرده « فکرهای » ما برای ما مکشوف می گشت، آنچنان بُهت و تحیر ما را می گرفت که در وصف نمی آید و با توجه به نوع فکرها و حرکتهای فکری که داریم، چنان به وحشت می افتادیم که در بیان نمی گنجد، و هرگز به فکرها و حرکتهای فکری خویش به نحوی که داریم ادامه نمی دادیم.

بی خبری و ناآگاهی ما از پشت پرده و از صور آن سوپی است که موجب می شود به « فکر » خود اجازه بدهیم در هر وادی که می خواهد حرکت کند.

عیش اکنون بر تو پوشیده شدست

تو بجدّ کاری که بگرفتی بدست

پوشید از تو عیش کردگار

ز آن همی تانی بدادن تن به کار که

همچنین هر فکر که گرمی در آن  
عیب آن فکرت شده ست از تو نهان  
بر تو گر پیدا شدی زو عیب و شین  
زو رمیدی جانت بُعد المشرقین

(دفتر چهارم مثنوی)

و نیز اگر صُور پشت پرده « دل » و حرکت‌های دل که همان تمایلها، نفرت‌ها، محبت‌ها، عداوت‌ها، خواستنها، فرار کردنها، نیت‌ها، و آرزوهاست برای ما مکشوف می افتاد، آنچنان در تعجب قرار می گرفتیم و چنان بُهت زده می شدیم که به بیان نمی آید، و الفاظ و عبارات با مفاهیم متداول خود از ذکر و توضیح آن قاصر است. و اگر این صُور پشت پرده را می دیدیم و می یافتیم، هرگز به وضع خود ادامه نمی دادیم، و « دل » را از آنچه در آن است باز می داشتیم و از حرکت‌هایی که دارد می بُریدیم، یعنی از تمایلها، نفرتها، محبتها، عداوتها، خواستنها، فرار کردنها، و آرزوهایی که دارد.

همچنین هر آرزو که می بری  
توز عیب آن حجابی اندری

ور نمودی غلت آن آرزو  
خود رمیدی جان تو زین جست وجو

(دفتر چهارم مثنوی)

از بیانات استاد آیت الله محمد شجاعی مدظله العالی 1372